

سی سال با پینوشه

سایت اشپیکل، ۱۲ آگوست ۲۰۰۳

نویسنده: کارستن فولکری، (Karsten Volkery) ترجمه: چشم انداز ایران

دیوار سکوت در حال فروپاشی است

در حالی که ۱۱ سپتامبر نزدیک می شود، منتقدان "فرهنگ سکوت" نمی توانند به گوش خود اعتماد کنند. پس از گذشت سی سال از کودتای پینوشه، ناگهان محافظه کاران شیلیایی از حقوق بشر صحبت می کنند. ژنرال های سابق و عوامل کشتار و شکنجه او سکوت خود را می شکنند. مصاحبه مطبوعاتی "پابلو لون جویرا (Pablo Longueira) رهبر حزب طرفداران پینوشه (UDI) مانند یک بمب صدا کرد. او در ۱۸ ماه می در تلویزیون شیلی اعلام کرد که آنها از یک سال پیش با بازماندگان قربانیان دوران استبداد ارتباط برقرار کرده اند. او که نظریه پرداز اقلیت راستگرایان است، اعلام کرد که حزب او خواهان پرداخت غرامت به خانواده این قربانیان است. این نخستین باری بود که مریدان دیکتاتور سابق اگوستو پینوشه به سرنوشت ۳۳۰۰ نفر اعدام شدگان و یا ناپدید شدگان دوران استبداد نظامی (۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰) علاقه نشان می دهند. این حیرت آور است که عاملان جنایت از قربانیان خود جانبداری می کنند؟! این مصاحبه، یک بحث ملی را در کشوری به وجود آورده که مباحث تاریک تاریخ معاصر خود را با اکراه دنبال می کرده است.

در حال حاضر، هیچ سیاستمدار و یا سرمقاله نویسی نیست که از کنار این مطلب بگذرد. ۱۳ سال پس از پایان دوران استبداد، سرانجام این موضوع جایگاه خود را در تیتیر مطبوعات یافته است. در این فرصت کوتاه باقیمانده تا سی امین سالگرد کودتا، سیل افشاگری ها، اعترافات و موضع گیری ها مانند یک موج عظیم سراسر کشور را فراگرفته است.

خانم میریا گارسیا (Mireya Garcia) معاون اتحادیه خانواده های ناپدید شدگان، با ناراضی می گوید: "بعد از سی سال، بار فشار وجدان، بسیار سنگین است."

با سقوط رئیس جمهور سوسیالیست سالوادور آلنده (Salvador Allende) در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ فصل خونینی در تاریخ شیلی شروع شد. با این که موضوع تازه ای نیست و بسیاری از مردم شیلی، دیگر مایل به شنیدن نام پینوشه نیستند، با این حال مباحث، گسترده تر و همه جانبه تر و بازتر از هر زمان دیگر است.

دیگر هرگز*

موج اعتراف به گناه در ژانویه امسال شروع شد. موقعی که سرفرمانده جدید نیروهای مسلح ژنرال خوان شیر (Juan Cheyre) سکوت نظامیان را شکست، در یک سخنرانی جامع تاریخی، این ژنرال به پایمال شدن حقوق بشر به وسیله نظامیان در زمان پینوشه اعتراف کرده و قول داد که "دیگر هرگز".

در فوریه، موضع گیری وزیر امور خارجه آمریکا "کولین باول" درباره سقوط آلنده تیتیر روزنامه ها شد که "این قسمتی از تاریخ آمریکا نیست که ما بدان افتخار کنیم". هرگز دولت آمریکا این چنین تأسف خود را از دخالت سیا (CIA) درباره این کودتا ابراز نکرده بود. در اواخر ماه ژوئن موضوع خاکبرداری های غیرقانونی به موضوعات بحث اضافه شد. مهم ترین روزنامه کشور و سخنگوی جناح راستگرای شیلی "ال میرسیکو" (Al mercurio) در شماره روز یکشنبه خود، مصاحبه ای با یکی از ژاندارم های بازنشسته به نام الیسو کورنجیو (Eliseo Comejo) را منتشر کرده و با تمام جزئیات تشریح می کند که چگونه او با گروهی از سربازان بعد از کودتا جنازه های داخل کاخ ویران شده ریاست جمهوری را ابتدا به داخل چاهی در خارج شهر ریخته و آنها را از انتظار مخفی می کنند. بعد از ۵ سال او را به همان محل می فرستند تا حدود ۳۰ جسد را با یک دستگاه حفاری خارج کند. همه شرکت کنندگان در این عملیات، برای این که بتوانند بوی تعفن را تحمل کنند، ابتدا مست کردند و بعد جنازه ها را با دو هلیکوپتر حمل کرده و به دریا انداختند.

تصور این که گروهی سرباز مست، جنازه هایی را از داخل چاهی خارج کنند، برای این که آنها را به دریا بیندازند، یادآوری وحشت آفرینی از سرنوشت نامشخص هزاران ناپدید شده آن دوران بود.

این نخستین باری بود که مریدان دیکتاتور سابق اگوستو پینوشه به سرنوشت ۳۳۰۰ نفر اعدام شدگان و یا ناپدید شدگان دوران استبداد نظامی (۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰) علاقه نشان می دهند. این حیرت آور است که عاملان جنایت از قربانیان خود جانبداری می کنند؟! این مصاحبه، یک بحث ملی را در کشوری به وجود آورده که مباحث تاریک تاریخ معاصر خود را با اکراه دنبال می کرده است

هنوز یک هفته از آن نگذشته بود که هشت ژنرال سابق که همه از همکاران پینوشه بودند، در مقابل جامعه اعتراف کردند که گورهای دسته‌جمعی غیرقانونی بیشتری از اعدام‌شدگان وجود دارد. ما از درد و رنجی که این وقایع به وجود آورده‌اند ناراحتیم، این اعمال شایسته یک افسر نظامی نیست. این قسمتی از موضع‌گیری این هشت افسری است که احتمالاً بنا به خواسته رئیس ستاد ارتش ژنرال بشیر به وسیله آنها امضا شده است.

این ژنرال‌های سابق که در بین آنها یک وزیر دفاع و یک وزیر کشور پینوشه هم وجود دارد، خواستار مجازات برای این اعمال شده‌اند. این خواسته‌ای است که تا به حال مطلقاً غیر قابل تصور بود.

سازمان‌های دفاع حقوق بشر از این جهش تازه در مباحث قدیمی استقبال می‌کنند. مهم‌تر از واقعیت این اتفاقات، اعتراف‌هایی است که بیان می‌شود.

رئیس سازمان عفو بین‌الملل "سرگیو لارنتی" (Sergio Laurenti) می‌گوید: "اکنون بهترین زمان برای اجرای عدالت است."

انتظار عدالت

اما این در شیلی مفهوم زیادی به دنبال ندارد. جبران و بازسازی تاریخ معاصر تا به حال بسیار کند پیش رفته است و آن هم به دلیل شرایطی است که نظامیان برای بازگشت مردم‌سالاری دیکته کرده بودند.

اگرچه در سال ۱۹۹۱ کمیته نجات، گزارش جامعی از شکنجه‌ها، بازداشت‌های غیرقانونی و اعدام‌ها را به طور مستند تهیه کرده بود و با وجود این که واقعیت‌ها رسماً اعلام شدند، ولی عدالت اجرا نشد.

نخستین بار پس از بازداشت پینوشه در سال ۱۹۹۸ در لندن، قوه قضاییه شیلی دست به اقدام زد. از آن روز ژنرال‌ها دیگر در حاشیه امنی قرار ندارند.

در سال ۱۹۹۹ قضات مخصوصی برای بررسی دادگاه‌های حقوق بشر منصوب شدند. در این بین ۳۳۰ محاکمه بر ضد ژنرال‌ها، سرهنگ‌ها و استوارهای سابق شروع شده، اگرچه تعداد معدودی محکوم شدند، ولی مجازات‌های سنگینی تا ۱۷ سال زندان برای آنها اعمال شدند. هنوز هم کارهای بسیاری باقیمانده است. بیشتر اعضای دولت پینوشه، امروز از اعضای مجلس سنا هستند و قانون اساسی ۱۹۸۰ پینوشه هنوز هم مبنای اصلی قانون کشور است. افکار عمومی به وسیله دو مؤسسه راستگرای مطبوعاتی شکل داده می‌شود. از آن گذشته دولت ائتلافی متشکل از سوسیالیست‌ها - سوسیال دموکرات‌ها و دموکرات مسیحی‌هایی که از سال ۱۹۹۰ به بعد با رئیس‌جمهورهای مختلفی حکومت کرده‌اند، تا به حال در تعامل با صاحبان قدرت سابق بوده‌اند.

پروفسور والتر کرونه (Walter Krohne) استاد دانشکده روزنامه‌نگاری، که به درخواست بنیاد کنراد آدنائر [آلمانی] (Konrad Adenauer) کتابی را درباره مردم‌سالاری در شیلی نوشته است می‌گوید: "این مردم‌سالاری زیبایی نیست."

دیوار سکوت

خواسته اصلی مدافعان حقوق بشر این است که دادگاه‌ها به سرعت عمل کنند. خانم میریا گارسیا معاون اتحادیه ناپدیدشدگان، خواستار آن شده که برای نظامیانی که با شکستن سکوت خود در دادگاه‌ها شهادت می‌دهند، تخفیف مجازات در نظر گرفته شود.

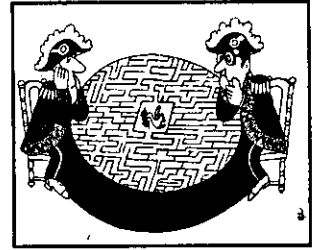
او از تجربیات شخصی خود در رابطه با شهود، به خوبی می‌داند که دیوار سکوت تا چه اندازه بلند است. در سال ۱۹۷۸ برادر او ربوده شده است. او از ۲۵ سال پیش ضد افراد ناشناس اعلام جرم کرده است. در طول این ۲۵ سال محاکمه، با ۵ قاضی مختلف سروکار داشته است و قاضی کنونی این پرونده هم با چند دوجین پرونده جنایی دیگر مانند تجاوز به حریم اشخاص و دزدی اتومبیل سروکار دارد.

مردم با هیجان زیادی منتظر لایحه پیشنهادی دولت برای حل مسائل حقوق بشر هستند و این سالگرد، پس از سی سال، موقعیت بسیار مناسبی برای کشیدن خط بطلان بر تاریخ‌های گذشته است.

رئیس‌جمهور سوسیال دموکرات کنونی شیلی ریکاردو لاگوس (Ricardo Lagos) می‌خواهد این لایحه را در روزهای آینده در گزارشی به ملت اعلام کند، اما او در آخرین فرصت‌ها مشغول مذاکره و چانه‌زنی با همه جناح‌ها و فعالان سیاسی از جمله نظامیان، کلیسا و فعالان چپ‌گرا و راستگرا است.

طرفداران حقوق بشر امیدوارند که این لایحه تنها به غرامت به بازماندگان - یعنی ۳۲۰۰ ناپدیدشده و اعدامی - اکتفا نکند، بلکه عفو ۵۰۰۰ زندانی سیاسی را هم در بر بگیرد که از دوران شکنجه و تعزیر جان سالم به‌در

در حالی که نسل جدید ژنرال‌ها سیاست دیگر هرگز را توصیه می‌کنند و سیاستمداران از آشتی ملی صحبت می‌کنند، اما سیاستمداران راستگرا معذرت‌خواهی را نمی‌پذیرند. آنها معتقدند که خطایی مرتکب نشده‌اند. وزیر کشور پینوشه سرگیو خارپا (Sergio Jarpa) به تازگی گفته است: "آنهايي که خود را مقصّر می‌دانند، می‌توانند داستان خود را روی سینه گذارده و از خداوند طلب عفو نمایند"



طرح انتخابی است

استراتژی سیاستمداران راستگرا این است که همه مسئولیت را به گردن اشخاص خودسر در بین نظامیان و پلیس مخفی شیلی دینا (Dina) بیندازند

برده‌اند.

در حال حاضر، فقط مادران، همسران و فرزندان اعدام‌شدگان به‌ازای هر خانواده حداکثر ماهیانه تا ۲۰۰۰۰۰۰ پزوس (معادل ۲۵۰ یورو) دریافت می‌کنند، ولی آنهایی که از شکنجه جان سالم به‌در برده‌اند، چیزی دریافت نمی‌کنند. دولت تا به حال هر گونه پرداخت اضافی را به دلیل نداشتن پول کافی رد کرده‌است.

رفتار محرمانه دولت

مرتبه دوم گمانه‌زنی‌ها در رابطه با مراسم رسمی سالگرد ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ است. دولت هم برنامه‌های خود را برای این مراسم محرمانه نگه داشته‌است. تعجبی هم نیست، چون موضوع این مراسم همانند نحوه تطبیق یک دایره بر مربع است. چگونه باید مراسم سالگردی را برگزار کرد که برای یک گروه از مردم تا به امروز سالگرد نجات ملت از شر کمونیست‌ها قلمداد می‌شود و برای گروه دیگر مردم، شروع ظلمانی‌ترین فصل‌های تاریخ شیلی را رقم می‌زند. احتمالاً این مراسم شامل یک نیایش و سخنرانی خواهد بود که در آن شعار: "به پیش، ولی هرگز فراموش نکن" گنجانده شده‌است. اما به خط پایان قضایا رسیدن، محکوم به شکست خواهد بود، چرا که در رابطه با پینوشه فاصله اختلاف نظرها زیاد است.

در حالی که نسل جدید ژنرال‌ها سیاست "دیگر هرگز" را توصیه می‌کنند و سیاستمداران از آشتی ملی صحبت می‌کنند، اما سیاستمداران راستگرا معذرت‌خواهی را نمی‌پذیرند. آنها معتقدند که خطایی مرتکب نشده‌اند. وزیر کشور پینوشه سرگیوخاربا (Sergio Jarpa) به‌تازگی گفته‌است: "آنهایی که خود را مقصر می‌دانند، می‌توانند دستان خود را روی سینه گذارده و از خداوند طلب عفو نمایند" و "بقیه کارها، نمایش سیاسی است". پیشنهاد جهش به جلوی حزب مریدان پینوشه (UDI) یعنی پرداخت غرامت به قربانیان را باید یک مانور سیاسی قلمداد کرد و نه اعتراف به گناه. این حزب می‌خواهد این مسائل، قبل از انتخابات ۲۰۰۶ ریاست‌جمهوری به فراموشی سپرده شده باشد. نامزد این حزب ژاکین لاورین (Joaquin Lavín) از هم‌اکنون خود را رئیس‌جمهور آینده شیلی می‌داند و در حال حاضر در نظر سنجی‌ها هم از دیگران پیشی گرفته‌است.

دینامیک فاسد

استراتژی سیاستمداران راستگرا این است که همه مسئولیت را به گردن اشخاص خودسر در بین نظامیان و پلیس مخفی شیلی دینا (Dina) بیندازند.

سناتور جوینو نووا (Jovino Novoa) از حزب مریدان پینوشه به مجله کوزاز (Cosas) می‌گوید: "دینامیک فاسدی در پلیس مخفی دینا وجود دارد" و "این بدین مفهوم نیست که همه آنهایی که در دولت نظامی فعالیت می‌کرده‌اند، خود مسئول باشند". آقای نووا، که از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ معاون وزیر کشور بوده‌است، ادعا می‌کند که چیزی از ماجرا نمی‌دانسته و می‌گوید: "ما به خانواده قربانیان هم توجهی نداشتیم". و این آثار فرهنگ جناح‌هایی از کشوری است که با این اظهارنظرها با بی‌تفاوتی از کنار عقاید و سخنانی شبیه به این می‌گذرند. جامعه شیلی از پینوشه خسته شده‌است، آنها خواسته‌های دیگری دارند. موضوع حقوق بشر به دوازدهمین درجه توجه مردم در جدول نظرسنجی ماه جولای مؤسسه (CEP) کاهش پیدا کرده‌است؛ یعنی کمی جلوتر از محیط زیست، نخستین موضوع‌های مورد توجه مردم عبارتند از بیکاری، فقر و امنیت.

اما این که موضوع حقوق بشر در مباحث روز مطرح شده، مایه امیدواری است و از توجه زیاد وسایل ارتباط جمعی سرچشمه می‌گیرد. در این چند هفته پیش از سالگرد، سیل گزارش‌ها و اسناد مانند یک بهمن ویرانگر به حرکت افتاده‌است؛ چیزی که حتی آقای لارنتی (Laurenti) مسئول عفو بین‌الملل را هم غافلگیر کرده‌است و "چیزهایی مطرح می‌شود که حتی تصور آن در سال گذشته غیرممکن بود".

پی نوشت:

* - "دیگر هرگز" شعار فراگیر آلمانی‌ها پس از جنگ دوم جهانی و سقوط نازیسم بود.

